

چطور می‌توان هم از وطن گفت و هم از نوجوان؛
فیلم سرپای «بچه مردم» را ببینید

پدر و مادرم ایران

فیلم سینمایی «بچه مردم» از آن دسته آثاری است که در سکوت و بی‌ادعایی اش حرف‌های عمیقی برای گفتن دارد؛ فیلمی که در ظاهر داستانی ساده از چند نوجوان پرورشگاهی روایت می‌کنسد، اما در لایه‌های زیرینش، تصویری تکان‌دهنده از فقدان، تعلق، هویت، وطن و انسانیت می‌سازد. روایت «بچه‌مردم» باتکیه‌بر جزئیات زندگی روزمره در پرورشگاه آغاز می‌شود؛ جایی میان کمبودها و امیدهای کوچک. کارگردان با نگاهی انسانی و دور از شعار، جهان این کودکان را به تصویر می‌کشد؛ جهانی که در آن مفهوم خانواده، در میان دوستی، همدلی و اشتیاق به آینده معنا پیدا می‌کند. اما درست در لحظه‌ای که خیال می‌کنی زندگی آرام گرفته، جنگ از راه می‌رسد و هسمان بچه‌هایی که روزی در

فرهنگ

بچهٔ وطن



مریم قضااتی خبرنگار گروه فرهنگ

«بچه مردم» از آن فیلم‌هایی است که می‌توان با خیال راحت در کنار خانواده تماشاایش کرد؛ تجربه‌ای ساده اما کمیاب، چه در سینما و چه در میان دیگر شکل‌های سرگرمی مثل اثر شبکه نمایش خانگی که در سال‌های اخیر بخش مهمی از وقت ما را پر کرده‌اند. حالا، بعد از حدود نه‌ماه از اولین نمایش در جشنواره فیلم فجر، «بچه مردم» به‌سینماها رسیده تا حال‌وهوای متفاوتی به‌تماشای فیلم بدهد. تماشاگری که شاید از داستان‌های تلخ اجتماعی، سیاه‌نمایی‌ها، فحش‌ها و شوخی‌های بی‌مزه جنسیتی یا حتی از صدای انفجار خسته‌شده باشد، می‌تواند با «بچه مردم» به سینما برود، بخندد، روایتی دیدنی را تماشا کند و در نهایت با حالی خوب از سالن بیرون بیاید. به‌قول محمود کریمی، کارگردان ونویسنده این اثر: «بچه مردم هم شما را می‌خنداند و هم شما را می‌گریاند». حالا سؤالی که مطرح می‌شود این است که چه چیزی این فیلم را مناسب بچه‌های ایران کرده؟

فیلمی برای وطن

جداً از کیفیت قابل قبول فیلم که می‌تواند سلیقه‌های متفاوت را کنار هم بنشاناند و تماشاگر را با رضایت و لبخند از سالن بیرون بفرستد، مهم‌تر از همه، جسارتی است که پشت‌ساخت «بچه‌مردم» قرار دارد؛ جسارتِ ساختِ فیلمی متفاوت در

الهیات اندوه



محمد صالح سلطانی خبرنگار

سینیفیل‌ها یا آثار «ویم وندرس» مقایسه‌اش می‌کنند و کمی حرفه‌ای‌تر‌ها، نشانه‌های شباهت فیلم به «فانتست گامب» را می‌یابند. این قیاس‌ها البته برپایه هم نیستند. آن فانتزی آبیخته به واقعیت و طراحی صحنه پر از رنگ‌های غلیظ و تدوین سرخ‌وشانه و موسیقی فانتزی گزونه و بازی‌های عامدانه اغراق‌شده این فیلم، دست‌کمی از حال‌وهوای آثار وندرس و زم‌مکیس ندارد. «بچه مردم» اما مستقل از همه بازی‌گوشی‌های فرمی‌اش، در یک کلام یک فیلم «آدمیزادی» است. فیلمی که برای رضای کردن مخاطب نه سراغ عشو‌ه‌های جنسی می‌رود نه خشونت عریان. نه دور بین روی دستِ بی‌وجه دارد نه موسیقی تشن آفرین، نه از حضور سوپر استارهای روی بورس سینما بهره گرفته و نه حتی اکرانش با جنجالی‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای همراه شده‌است. اولین تجربه کارگردانی محمود کریمی یک فیلم «سالم» است و البته بسیار «ساده» که آن‌ا تکا به معجزه همین دو کلمه – سلامت و سادگی – هم می‌تواند یک دل‌سیر از مخاطبش خنده

بدن زیبای بی‌اسکلت!



حمیدرضا زنجیرزاده خبرنگار

اگر «بچه مردم» را به پیکری انسانی تشبیه کنیم، با بدنی روبه‌رو می‌شویم که اعضایی زیبا و جذابی دارد. محمود کریمی در اولین تجربه کارگردانی خود، با علاقه و حوصله آن‌ها را آفریده و کنار هم قرارشان داده است. کمپوزیسیون و قاب‌های متقارن، پرسپکتیوهای خطی و پالت‌های رنگی چشم‌نواز، هر چند اکثر سینفیل‌ها را به یاد سینمای وس اندرسون می‌اندازد، اما باید اذعان داشت که این گزته‌برداری بصری، انصافاً تمیز و کارآمد از آب درآمده و برای یک روایت سرگرم‌کننده و شیرین ایرانی، تا حد قابل قبولی بومی‌سازی شده است. روایت محمود کریمی و فائزه یار محمدی در قسمت‌های کمیک فیلم با ناهم‌وچگونگی کارگردانی آن‌ها، از پس مهم‌ترین وظیفه خود، سر بلند بیرون آمده‌است؛ خنداندن! برخلاف جریان تزحم و تأسیف پرانگیز کمدی‌های سالیان اخیر سینمای ایران که دیگر حتی از تماشاگرانی که ذائقه مسموم شده دارند نیز امکان جلب خنده ندارد، «بچه مردم» بارها مخاطب خود را به خنده وامی‌دارد و برای نیل به این

زندگی در قاب سینما



کوشا ساسانیان خبرنگار

با اولین قاب، جهان زنده‌پر جنب‌وجوش «بچه‌مردم» مخاطب را در بر می‌گیرد؛ جهانی که در آن زندگی، خنده و بغض، شادی و تلخی در هم تیده‌اند و هیچ لحظه‌ای ایستا نیست. فیلم از همان آغاز، بی‌تعارف و جسورانه، مخاطب را به قلب‌روایتی پر دیوار پتمی طبیعی و خوش‌ساخت، جریان‌زندگی شخصیت‌ها را در هر قاب جاری می‌کند. این آغاز کو بنده، مخاطب را آماده می‌کند تا پایان فیلم با جهان شخصیت‌ها هم‌ذات‌پنداری کند.

فیلم، داستان روایت‌وفتایی است که از نوزادی در پرورشگاه‌ها بهم بزرگ شده‌اند؛ آن‌ها همانند همه مردم دیگر رفقت می‌کنند، جوانی می‌کنند، عاشق می‌شوند، ازدواج می‌کنند و وقتی کشورشان نیاز دارد، راهی جبهه می‌شوند تا از وطن دفاع کنند. در این جهان، خنده و بغض، شادی و تلخی، با ریتمی طبیعی و زنده در

جست‌وجوی مادر یا پدر بودند، حالا در جایگاه مدافعان سرزمین خود قرار می‌گیرند. «بچه‌مردم» را می‌توان در امتداد جریان سینمای انسانی و اجتماعی ایران دانستست؛ فیلمی که به‌جای اغراق و سانتی مانتالیسم، بر صداقت و واقع‌گرایی تکیه دارد. در روزگاری که بخش بزرگی از سینما سرگرم نمایش‌های پر زرق و برق است، این اثر یادآور آن است که سینما هنوز می‌تواند آینده‌ای از حقیقت باشد، حتی اگر آن حقیقت تلخ، دردناک یا فراموش شده باشد. فیلم، با همه سادگی‌اش، تماشاگر را درگیری می‌کند، اشک و لبخند را در کنار هم می‌نشاند و یادمان می‌آورد قهرمان بودن همیشه در داشتن قدرت خلاصه نمی‌شود؛ گاهی قهرمان کسی است که با همه فقدان‌ها، با دل و جان به انسان بودن ادامه می‌دهد.

معجونی به اندازه

شاید ذات و ریشه موضوع فیلم، تلخ و دراماتیک باشد؛ اما نویسندگی محمود کریمی و فائزه یار محمدی آن را با زبانی روایت کرده که فضای فانتزی و لحنی شوخ طبع دارد؛ ترکیبی دل‌نشین از جدیت و بازگوشی. همین شیطنت و طرافت در لحن، امضای شخصی کریمی است. او با اینکه در «بچه مردم» اولین تجربه سینمایی خود را پشت سر می‌گذارد، اما نشان داده کارگردانی پخته و باتجربه‌است که توانسته از سال‌ها کار و تجربه‌اش در ملبوم‌های دیگر، به‌درستی استفاده کند. «بچه مردم» در ظاهر یک فیلم اجتماعی است، اما رنگ و لعاب فانتزی خاصی دارد. صرف روایت چند نوجوان که در جست‌وجوی هویت خود هستند و در نهایت با آغاز جنگ، تصمیم به دفاع از کشور می‌گیرند، به‌خودی‌خود آن را در ژانر دفاع مقدس قرار نمی‌دهد. همان‌طور که سیدعلی احمدی، تهیه‌کننده فیلم گفته، بخش دوم فیلم که در فضای جنگ می‌گذرد، در واقع ادای احترامی است به‌شهیدای بی‌پشتی در دوران دفاع مقدس. پس این فیلم را نباید با لیل فیلم دفاع مقدسی معرفی کرد؛ چون ممکن است تصویری متفاوت از اصل داستان در ذهن بسازد. اما نکته مهم این است که حتی در همین بخش نیز فیلم از کلیشه‌های رایج ژانر دفاع مقدس فاصله می‌گیرد. کریمی تلاش کرده با حفظ شوخی‌ها، لحظات شیرین و فضای فانتزی فیلم، حرمت و قداست مدافعان کشور را هم حفظ کند و همین تعادل ظریف، بزرگ‌ترین برگ برنده اوست. او توانسته از خط باریکی عبور کند که کمتر فیلم‌سازی جرئت نزدیک‌شدن به آن را دارد؛ جایی

عشق معصومانه نوجوانانه، فیلم به سمت جبهه راهنما می‌زند و به اوج می‌رسد. حالا ما همراهِ پسری می‌شویم که عشقش به دختر همسایه دارد معنای تازه‌ای به زندگی‌اش می‌دهد. در این مسیر، جبهه کارخانه‌ای است که از نوجوان عاشق پیشه قصه، جوانمردی با یک روح بزرگ می‌سازد؛ یک جوان فداکار، شجاع، رشید و البته همچنان و بلکه بیش از گذشته، عاشق.

محمود کریمی که مخاطبان پر و پاقرص تلویزیون او را با سـاخت آیتـم‌های میان‌پرنامه «خندونه» به خاطر می‌آورند، در فیلم اولش موفق به ساختن یک «لحن» ویژه شده که «بچه مردم» را به یکی از بهترین فیلم اولی‌های چند سال اخیر سینمای ایران تبدیل می‌کند. جان‌مایه قصه فیلم بسیار تلخ است و مسعد تبدیل شدن به یک مولودم پر آب چشم، کریمی اما با راندی از دل همین قصه تلخ، یک جهان شیرین بیرون می‌آورد و رنج چهار نوجوان فیلم را تحمل پذیر به تصویر می‌کشد. این لحن احتمالاً از یک جهان‌بینی پل‌ودود عمیق حاصل شده؛ یک جهان‌بینی که می‌داند زندگی جز به رنج نمی‌گذرد و انسان خردمند، باید بلد باشد غم را به «اندوه» – که رنج با لایش شده در ساقی عقل است – تبدیل کند. با این عینک اگر نگاه کنیم، «بچه مردم» در واقع «گزارش اندوه» است؛ گزارشی



میان احساس، احترام و شوخ طبعی. با این حال، کماکان عمده نقدهایی که به این فیلم می‌شود، بابت سکانس آخر است.

علاقه کودک و نوجوان به «بچه مردم»

کمتر از یک ماه از برگزاری جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان گذشته، اما یکی از اتفاقات جالب آن، استقبال پرشور تماشاگران نوجوان از «بچه مردم» بود. امسال چند فیلم پر ادعا در جشنواره حضور داشتند؛ آثاری که پیش‌تر در جشنواره به مراتب سخت‌تر فیلم فجر محک خورده بودند و حالا قرار بود در آزمونی، مقابل مخاطبان کودک و نوجوان قرار بگیرند. در این میان، «بچه مردم» توانست نظر بسیاری از آن‌ها را جلب کند و فضایی متفاوتی در سالن‌های نمایش جشنواره بسازد. به گفته عوامل فیلم، ساختار «بچه مردم» برای گروه سنی نوجوان طراحی نشده بود، اما استقبال نوجوان‌ها از فیلم فراتر از انتظار بود. شاید دلیلش داستان چهار نوجوانی باشد که محور روایت فیلم هستند؛ داستانی که مفاهیمی مثل تعلق، هویت و خانواده را در خود دارد؛ مفاهیمی که برای سن و حال‌وهوای نوجوانی، بیش از هر زمان دیگری معنا پیدا می‌کنند و به همین خاطر، فیلم به دل آن‌ها نشست است. در نهایت، «بچه مردم» فیلمی است که نشان می‌دهد سینما هنوز می‌تواند هم ساده باشد، هم عمیق؛ هم سرگرم‌کننده باشد، هم تأمل‌برانگیز؛ و هم خنده بیاورد. هم اشک، اتفاقی که جای خالی‌اش به چشم می‌آید و حالا با «بچه مردم» انتظارها برای ساخت فیلم‌های این مدلی بیشتر شده است.

از یک موقعیت ذاتاً غم‌انگیز که با معجزه لحن روایت، غم‌بار روایت نمی‌شود و با آن سکانس درخشان پایانی، یک مانیفست عرفانی از خود به جام می‌گذارد و مخاطب را مثل هم نوجوان اول فیلم، به «رضایت» می‌رساند. می‌پسند؟ «بچه مردم» در دل یک داستان ظاهر آسان‌درد دربارۀ عمیق‌ترین مفاهیم الهیات حرف می‌زند و همه این حرف‌ها را در زو روق یک فیلم سرگرم‌کننده پیچیده و خب مگر «هنر متعهد» قرار است چیزی جز همین باشد؟

«بچه مردم» سرجمع یک پیشنهاد تازه به سینمای ایران است؛ پیشنهادی که نشان می‌دهد حتی در ژانر های فعالی مثل سینمای دفاع مقدس هم هنوز می‌شود سراغ ایده‌های تازه و حرف‌های گفته نشده رفت و از دل خاطره‌های شنیده نشده، قصه‌های تازه و باطراوت بیرون کشید. به لطف محمود کریمی، فائزه یار محمدی، یوسف اسلاتی و سیدعلی احمدی حالا حافظه سینمای ایران می‌تواند قصه زندگی شهیدای پرورشگاهی جنگ تحمیلی را هم به خاطر بسپارد؛ شهدایی که به معنای دقیق و محترم کلمه «بچه مردم» بودند و برای همین مردم جان دادند؛ شهدایی که ما بعدها مرادنگی و محبت آن‌ها بیام و باید خیلی بیشتر از این حرف‌ها رایشان بنویسم و بسازیم.

فیلم در مسیر تاریخی خود نیز سراغ مسائل تاریخی و اجتماعی متعددی می‌رود؛ از انقلاب اسلامی، قضیه تسخیر لانه و ماجراهای مبارزان چپ و مارکسیستی بگیرد تا مسئله هویت نوجوانان و سرگشتگی آن‌ها در یافتن اصل و نسب خویش. فیلم از کنار تمام این مسائل عبور می‌کند و تقریباً به هیچ‌کدام نزدیک نمی‌شود و بدین ترتیب، با اینکه «بچه مردم» مسئله‌مند است؛ اما ابعاد هیچ‌یک از مسائلش را به‌درستی نمی‌شکافد و همگی این مسائل و به‌نوعی جهان فیلم، در سطح می‌مانند. مخاطب ممکن است قصد مند ی کارگردان در چرخش ابوالفضل از یافتن مادر بیولوژیک خود به فداکاری برای مادر وطن را بفهمد و متوجهش شود؛ اما به‌جای اینکه روند فیلم‌نامه و طی شدن قوس شخصیتی ابوالفضل این مهر را محقق کنند، این اتفاق بیرون از فیلم و نزد ذهن مخاطب رقم می‌خورد و خود فیلم از بنا کردن چنین تغییری، عاجز می‌ماند.

در مجموع، می‌توان گفت که «بچه مردم» بذنی است که اعضای زیبایی دارد؛ ولی مع‌الاف به دلیل نبود اکانتی که این اعضای منفرد را به یک کل منسجم تبدیل کند، این بدن فرو می‌ریزد و به خاطر ضعف‌های جدی در فیلم‌نامه، از بدل‌شدن به یک اثر خوب و فراموش نشدنی، باز می‌ماند.

جان خود را در راه وطن می‌دهند؛ آنان بچه‌های ما و این خاک هستند، فرزندان ی که داستانشان تا مدت‌ها در ذهن مخاطب باقی می‌ماند و با او زندگی می‌کند. با «بچه مردم»، محمود کریمی نشان داده است که می‌توان در نخستین تجربه کارگردانی، داستانی ساده و انسانی را با ریتم، فرم و انرژی زنده ترکیب کرد، به‌طوری‌که مخاطب نه‌صرفاً تماشاگر، بلکه رب یک لحظه‌ها شود. فیلم سرزنده و پرهیاهوست، اما در همان حال عمیق، انسانی و تأثیرگذار باقی می‌ماند و حس زندگی و همدلی تا پس از پایان اثر با مخاطب همراه می‌ماند.

در نهایت، «بچه مردم» نمونه‌ای از سینمایی است که هم ساده‌وصادق است و هم ماندگار و تأثیرگذار. همه‌عناصر فیلم، ریتم، لحن، طنز، انرژی، شخصیت پردازی، کارگردانی، میزانشن‌ها و کارکرد رنگ و نور در یک جریان واحد پیش می‌روند و تجربه‌ای کامل، پیوسته و زنده خلق می‌کنند. تماشاگر پس از پایان فیلم نته‌تها داستان، بلکه زندگی شخصیت‌ها را با خود می‌برد و این همان تجربه‌ای است که سینمای انسانی واقعی باید بر جای بگذارد.